

درستایش درخت نور

بهن انصاری

www.TarikhBook.ir

دیباجه مترجم

مانی، زاده شده از پدر و مادری ایرانی، منسوب به بزرگان اشکانی؛ در اوایل شاهنشاهی ساسانیان زندگی میکرد. یکی از بزرگترین هنرمندان و اندیشمندان روزگار ساسانیان بود. وی فیلسوفی بزرگ، دانشمندی سترگ، عارفی وارسته، شاعری زبر دست، نگاره گری چیره و سخنوری قهار بود.

هرچند در میانه راه دچار خود بزرگ بینی گشته و ادعای پیغمبری کرد؛ اما به هر روی نمیتوان به این شوند از بزرگی او کاست. او سفرهای دور و درازی به ایران، هندوستان باختری و شمال خاوری ایران کرد.

عرفان مانوی ریشه در کیش گنوسی دارد و شناخت، خودآگاهی و خرد مهمترین ویژگی کیش مانوی است. به همین سبب مانی جهان شناختی گسترده و ژرف داشت. جهان‌شناسی او هر چند با اساطیر در آمیخته بود، اما ساختار پیچیده و ژرفی داشت و متکی به اخترشناسی و دانش‌های دیگر بود. در نگره مانوی همان اندازه که روح والاست، تن فاسد، اهریمنی، حقیر و پلشت است.

در آغاز قرن بیستم نوشته‌های بسیاری از پیروان مانی در پرستش‌گاه‌های مانوی (مانستان‌های) مدفون در شن‌زارهای تورفان در چین پیدا شد که بخش بزرگی از آن‌ها در انستیتوی خاورشناسی برلین نگهداری می‌شوند. بخش‌هایی از این دست‌نوشته‌ها خوانده شده‌است و تلاش برای خواندن بقیه آن‌ها همچنان ادامه دارد. آن‌ها به زبان‌های گوناگون و به خط مانوی که از نوآوری‌های خود مانوی بوده‌است، نوشته شده‌اند. بیشتر این نوشته‌ها به زبان فارسی میانه (پهلوی) و پهلوانیگ (پهلوی اشکانی) هستند. برگردان‌هایی قبطی از مصر و ترجمه‌هایی یونانی نیز از کتاب‌های مانی بر جای مانده‌است. مانی خود را ناجی و حواری عیسی مسیح معرفی می‌کرد. در پاپیروس قبطی مانی‌گری قرن چهارم، مانی به عنوان فارقلیط، روح القدس و عیسی‌ای نوین شناخته می‌شود.

پیروان مانی تلاش بسیاری برای مشمول کردن همه آیین‌های دینی شناخته شده کردند؛ در نتیجه بسیاری از رسائل ساختگی مسیحی را از جمله؛ اعمال توماس را حفظ کردند که در غیر این صورت امکان داشت از میان برود. مانی مایل بود که خود را به عنوان «حواری عیسی مسیح» تشریح کند، اما کلیسای ارتدوکس او را مرتد خواند.

شواهد حاکی از آن‌اند که از محبوبیت مانی‌گرایان پس از سده ده میلادی در آسیای مرکزی به آهستگی کاسته شد. برخی پژوهشگران یافته‌اند که اندیشه مانی‌گرایان زیرکانه بر باورهای مسیحی تأثیر داشته‌است، در بحث تضاد نیکی و بدی (خیر و شر) و شکل واضح شیطان. سبب این اثر تا حدودی آگوستین هیپو است که پس از مدت کمی که به آیین مانی گرویده بود، به مسیحیت روی آورد و نوشته‌های او هنوز هم در میان الهیات‌دانان کاتولیک، پرنفوذ و تأثیرگذارند.

به هر روی، چیزی که مسلم است این که مانی هرگز پیغمبری از جانب خداوند نبود؛ اما نیک میدانیم که وی دانشمندی سترگ، عارفی وارسته، شاعری زبر دست، نگاره گری چیره و سخنوری قهار بود.

متن فوق، شعری دوازده هجایی و بدون قافیه از مانی (یا شاگردان مانی) است که که در طورفان چین کشف شده است.

بمن انصاری

بخش اول:

متن برگردان شعر مانی به زبان امروزی

در ستایش درخت نور

خورشید روشن و بدر برازنده

روشنی دهند و برازندگی کنند از تنه ی درخت

مرغان روشنندل سحری سخن گویند از روی شادی

سخن سرکنند کبوتران و طاوسان و همه گونه مرغان

سرود گویند و آواز برکشند ... دختران

بستایند همگی پیکر آن درخت را

بخش دوم:

شعر مانی به زبان اصلی و کهن خود با رسم الخط فارسی امروزی

در ستایش درخت نور

خورخشیتی روشن اذ پور ماهی برازاگ

روژند اذ برازند از تنواری اوی درخت

مروانی بامیوان اوی وازند شادی ها

وازند کبوتر اذ فرشه مروی و سب گونک

سراویند اذ آوازند ... ی کنیکان

بستایند هماک تنواری اوی درخت